

بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش برنامه درسی

حمیدرضا آراسته^۱

ترانه عنایتی^۲

یوسف نضافتی پایانی^۳

چکیده

بدون شک تربیت شهروندان خوب یکی از اهداف اصلی نظام تعلیم و تربیت هر کشوری است. به همین منظور این پژوهش به بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش برنامه درسی می‌پردازد. پژوهش به روش زمینه‌یابی انجام شد. گروه نمونه ۳۲۷ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بودند که به روش تصادفی طبقه‌ای (برحسب جنسیت) انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود. با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای وضعیت آگاهی دانشجویان از ابعاد حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از آزمون T گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس، تفاوت ابعاد حقوق شهروندی بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی و سن، مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد آگاهی دانشجویان در تمامی ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی به طور معناداری در سطحی پایین‌تر از میانگین قرار دارد. هم‌چنین در بررسی مقایسه‌ای میزان آگاهی دانشجویان دختر و پسر، فقط آگاهی از حقوق مدنی در دختران بیش از پسران بود و تفاوتی در دیگر ابعاد وجود نداشت. بررسی مقایسه‌ای آگاهی دانشجویان بر اساس مقطع تحصیلی و سن تفاوت معناداری را در هیچ یک از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی نشان نداد.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی، حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، برنامه درسی.



۱- دانشیار مدیریت آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران arasteh@tmu.ac.ir

۲- استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری tenayati@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

مقدمه

یکی از وظایف آموزش عالی، برنامه‌ریزی برای فعالیت‌هایی است که مشارکت دانشجویان در عرصه‌های مختلف اجتماعی را فراهم کند (Nikitina, ۲۰۰۹; Gifford et al, ۲۰۰۵) در عصر حاضر، شناسایی مؤلفه‌های شهروندی، تعریف فرهنگ شهروندی، چگونگی انتقال این مفاهیم به نوجوانان و جوانان و اعمال این ویژگی‌ها و خصوصیات در زندگی اجتماعی یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در هر کشوری است، زیرا که رفاه و امنیت هر جامعه‌ای در گرو مشارکت و همکاری شهروندان است (اسکافی، ۱۳۸۶). شهروندی زاینده زیستن در دنیای معاصر است و در تلاش است تا با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد. شهروندی طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌هایی که با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده‌اند. شهروندی موقعیتی است که به اعضای جامعه اعطا می‌گردد و همه افرادی که صاحب چنین موقعیتی هستند، ضمن این‌که از حقوقی برخوردار می‌شوند، باید وظایف برخاسته از آن موقعیت را نیز بر عهده گیرند (فتیحی واجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۵).

با نگاهی به نظریه‌های گسترده شهروندی می‌توان دریافت که تعاریف شهروندی دارای هسته‌های مشترکی به شرح زیر هستند:

نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه؛ مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، استعاری و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان؛ احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳؛ صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷؛ Callehan et al, ۲۰۰۸). شهروندی، نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقاء رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (وزیری و جهانی، ۱۳۸۵). مفهوم حقوق شهروندی فعال، مستلزم برخورداری از حق، وسیله، فضا، فرصت و در صورت لزوم پشتیبانی و حمایت برای حضور و تأثیرگذاری در تصمیم‌ها و نیز درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی برای کمک به ساخت جامعه‌ای بهتر است (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۶). موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. در واقع یکی از جنبه‌های حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌هایی که شهروندان در قبال یکدیگر بر عهده دارند (شکری، ۱۳۸۶).

افزون بر این آشنایی با حقوق شهروندی با توجه به گرایش برنامه‌های درسی به سوی جهانی شدن، به حقوقی جهانی تبدیل شده است (Myers, ۲۰۰۶; Hanson, ۲۰۱۰). در این میان می‌توان به تلاش‌های اتحادیه اروپا در بازنگری برنامه‌های درسی با هدف تربیت شهروندان اروپایی و آشنایی مردم با حقوق شهروندی در این اتحادیه اشاره کرد (Keating, ۲۰۰۹). هر شهروند از یک سلسله حقوقی برخوردار است؛ مارشال جامعه‌شناس انگلیسی آن را به سه قسمت تقسیم کرده است: حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی (به نقل از کارگزاری، ۱۳۸۳؛ Zhonghua, ۲۰۰۸; Chesterman and Galligan, ۱۹۹۷). با توجه به تقسیم‌بندی مارشال می‌توان هر یک از ابعاد تشکیل دهنده حقوق شهروندی را به این شرح توصیف کرد:

الف- حقوق مدنی که به حقوق فردی در قانون اطلاق می‌شود و شامل آزادی افراد برای زندگی در مکان دلخواه، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت و سایر جنبه‌های آزادی‌های فردی می‌شود.

ب- حقوق سیاسی عبارت است از حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی، خواه در نقش عضو مجموعه‌ای که قدرت سیاسی به آن تفویض شده و خواه در نقش رأی‌دهنده‌ای که اعضای چنین گروهی را برمی‌گزینند، به ویژه

حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن. حقوق سیاسی شامل حق دسترسی برابر به مناصب حکومتی، حق برخورداری از مشارکت سیاسی نهادمند و مسائلی از این قبیل می‌باشد و به عنوان حقوق عالی شهروندی شناخته می‌شود.

ج- حقوق اجتماعی به حق طبیعی فرد برای بهره‌مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیتی مربوط می‌شود و شامل مزایای بهداشتی، درمانی و تأمین اجتماعی، تعیین حداقل دستمزد، برخورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حقوق برابر زنان در مقایسه با مردان و حقوقی مشابه است.

برنامه درسی و آموزش شهروندی

بی‌گمان تربیت شهروندان خوب یکی از مهم‌ترین دل مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیاست. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهند که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروند خوب را در صدر اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند (وزیری و جهانی، ۱۳۸۵). برنامه درسی مبتنی بر آموزش شهروندی را می‌توان یکی از این اقدامات دانست. منظور از برنامه درسی، یک درس یا مجموعه‌ای از دروس و یا برنامه‌ای برای مطالعه است که به عنوان مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد و تجارب یادگیری شناخته می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۷). برنامه درسی محتوای یک درس و مجموعه‌ای از اهداف اجرایی است، تجربه طراحی شده برای یادگیری است که معلم قصد دارد در پایان درس فراگیر آن را بیاموزد (اولیوا، ۱۹۹۷؛ به نقل از قورچیان و همکاران، ۱۳۸۷). اما متأسفانه در نظام تعلیم و تربیت کشور به ویژه برنامه‌های درسی توجه لازم به تربیت شهروندی نشده و نه تنها برنامه درسی ویژه‌ای تحت عنوان «آموزش شهروندی» وجود ندارد، در قالب برنامه‌های درسی دیگر نیز کمتر اثری از آن می‌توان یافت (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱).

امیل دورکیم آموزش شهروندی را از طریق اکتساب دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های منتقل شده از نسل‌های بزرگسال به نسل‌های ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می‌کند. او مهارت و صلاحیت‌های لازم برای اعمال شهروندی را از طریق ارائه مطالب و موضوعاتی در کلیه دروس مدارس و در سطوح تحصیلی ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی توصیه می‌کند و برای آموزش‌های مدنی و اخلاقی و پرورش روحیه مشارکت‌جویی که فرد شهروند را برای زندگی در جامعه آماده می‌سازد، به عنوان موضوعات بین رشته‌ای در همه دروس و مؤسسات آموزشی اولویت خاصی قائل است. وی تأکید دارد که آموزش شهروندی را باید به گونه‌ای در دروس گنجانند که فرد پس از آن آموزش‌ها بتواند با الزامات و نیازهای زندگی در جهان فردا هم‌سازی داشته باشد. نهاد مسئول آموزش، و پرورش دهنده این مهارت‌ها و هویت و شخصیت دانش‌آموزان و دانشجویان؛ مدارس و دانشگاه‌ها، معلمان و اساتید، برنامه‌ها، روش‌ها و فضای تعلیم و تربیت رسمی در کشور است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که هم نهاد خانواده و هم نهاد مدرسه، اگر چه تمایل جدی برای رشد و پرورش مهارت‌های زندگی و استحکام بخشیدن به هویت و رشد دادن شخصیت نوجوانان و جوانان دارند، اما در انجام وظایف خود در این مسائل حیاتی دچار کمبودها و کم‌توانی‌های گوناگون هستند و در مجموع نمی‌دانند و برنامه روشنی ندارند که چه کاری باید انجام دهند (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

علیرغم وضعیت توصیف شده در ایران، کشورهایمانند ژاپن، استرالیا، کانادا و آمریکا در تعیین موضوعات درسی و استانداردهای لازم برای مباحث مطرح در قلمرو آموزش شهروندی دارای وجوه مشترکی هستند. در این ممالک محتوای آموزش شهروندی بیش‌تر از طریق مطالعات اجتماعی و به طور تلفیقی و بین رشته‌ای ارائه می‌شود. آموزش شهروندی در ژاپن اجباری است و کلیه سطوح تحصیلی را در بر می‌گیرد و علاوه بر آن در خارج از مدرسه در

محیط‌های تربیتی خانه، جامعه، بحث‌های تلویزیونی و رادیویی نیز توسط متخصصان، رسانه‌های گروهی و نهادهای دیگری چون خانه‌های فرهنگ در شهرداری‌ها، سینماها، تئاترها و ... معمول و متداول است. هم‌چنین در ژاپن ارزشیابی آموزش شهروندی یک فرآیند مستمر است که از انواع روش‌های ارزشیابی برای تشخیص میزان موفقیت فراگیران در کسب اهداف تعیین شده برای تربیت شهروندی استفاده می‌شود. نتایج این ارزشیابی‌ها به طور جدی در مجالس مقننه، دیوان عالی کشور، اتحادیه معلمان، دولت‌مردان و سایر نهادهای متولی آموزش شهروندی برای تصمیم‌گیری در ارتباط با از میان بردن کاستی‌ها و به منظور ارائه چاره‌جویی‌های قانونی، مالی و حقوقی در جهت رفع آن‌ها منعکس می‌شود (Conover, ۲۰۰۴). به نقل از آقازاده، (۱۳۸۵).

پیشینه تحقیق

علی‌رغم آن‌که فلسفه تأسیس نظام آموزش و پرورش، دستیابی به اهداف تربیت شهروندی است، دامنه اقدامات و مطالعات انجام شده در این راستا، در داخل کشور بسیار ناکافی و نارسا است (فتحی واجارگاه و دیباواجاری، ۱۳۸۱). در زیر به بررسی تحقیقات مشابه، هر چند محدود، پرداخته می‌شود:

فتحی واجارگاه و دیباواجاری (۱۳۸۱) تحقیقی به منظور تعیین ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه ایران و میزان توجه به تربیت شهروندی در مراحل تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های مدارس انجام دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که ویژگی‌های مورد نظر در سه حیطه کلی دانش مدنی، توانش مدنی و نگرش مدنی، برای جامعه ایران مهم و اساسی ارزیابی شده است. هم‌چنین داده‌ها نشان دادند که در مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها توجه کمی به پرورش ارزش‌های شهروندی می‌شود و اصلاحات اساسی در این راستا الزامی است.

اسکافی (۱۳۸۶) تحقیقی به منظور بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که بیش از ۷۰٪ نمونه از تکالیف و حقوق شهروندی آگاهی زیادی دارند و آگاهی مردان بیش از زنان است. مهم‌ترین متغیر مؤثر بر میزان آگاهی شرکت در انتخابات بود. هم‌چنین طرز تلقی جوانان از نوع و میزان مشارکت در امور شهری به عنوان وظایف شهروندی، سن پاسخگو، میزان آگاهی سیاسی خانواده و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده متغیرهای مؤثر دیگری بودند که در مجموع ۹۹٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کردند. میزان مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه تنها متغیری بود که رابطه معناداری با متغیر وابسته برقرار نکرد.

پژوهشی توسط عبدی (۱۳۸۶) با عنوان تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان) صورت گرفته است. مسئله مورد بررسی این بود که آیا عوامل اجتماعی اقتصادی (سن، جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دینداری) می‌توانند تغییری در میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی ایجاد نمایند؟ نمونه مورد مطالعه دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان بودند. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دینداری با آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد و بین سن و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود ندارد. از طریق رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته حقوق و تکالیف شهروندی محاسبه شد که مقدار آن به ترتیب ۰/۴۱ و ۰/۴۰ به دست آمد.

پژوهشی به منظور بررسی ارتباط عوامل اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی توسط اسکندری (۱۳۸۶) انجام شد. جامعه تحقیق شامل دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد و سراسری تبریز بود. نتایج نشان داد که میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان، متوسط و کمی بیش از آن بود و بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از

حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد و نیز بین تعهد شهروندی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. هم‌چنین بین نگرش به مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که ۰/۴۸ از تغییرات میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان توسط متغیرهای مستقل (میزان مشارکت اجتماعی، نگرش به مشارکت اجتماعی و تعهد شهروندی) قابل پیش‌بینی می‌باشند.

در این تحقیق نیز محققان در صددند تا وضعیت آگاهی حقوق شهروندی دانشجویان را با طرح سؤالات زیر مورد بررسی قرار دهند:

- ۱- آگاهی دانشجویان از بعد مدنی حقوق شهروندی به چه میزان است؟
- ۲- آگاهی دانشجویان از بعد اجتماعی حقوق شهروندی به چه میزان است؟
- ۳- آگاهی دانشجویان از بعد سیاسی حقوق شهروندی به چه میزان است؟
- ۴- آیا بین آگاهی از ابعاد سه‌گانه شهروندی بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟
- ۵- آیا بین آگاهی از ابعاد سه‌گانه شهروندی بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت وجود دارد؟
- ۶- آیا بین آگاهی از ابعاد سه‌گانه شهروندی بر حسب سن تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

روش تحقیق زمینه‌یابی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای بهشهر و نکا به تعداد ۲۱۵۴ نفر در سال ۱۳۸۸ بود. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان به تعداد ۳۲۷ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای بر حسب جنسیت بود. شرح نمونه تحقیق در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد نمونه تحقیق

ویژگی	جنس		رشته تحصیلی		سن			دانشگاه محل تحصیل		مقطع تحصیلی	
	دختر	پسر	علوم انسانی	غیر علوم انسانی	کمتر از ۲۰	۲۰ الی ۳۰	۳۱ به بالا	نکا	بهشهر	کاردانی	کارشناسی
فراوانی	۱۱۲	۲۱۵	۱۷۷	۵۳	۲۱۵	۵۹	۲۰۸	۱۱۹	۱۶۷	۱۶۰	
درصد	۳۴	۶۶	۴۵/۹	۵۴/۱	۱۶/۲	۶۵/۸	۱۸	۳۴/۴	۴۶/۲	۵۳/۸	

ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته تدوین تا میزان آگاهی حقوق شهروندی دانشجویان را مورد بررسی قرار دهد. این پرسشنامه، بر اساس ابعاد حقوق شهروندی (ابعاد سه‌گانه مدنی، اجتماعی و سیاسی بر اساس تقسیم‌بندی مارشال) تدوین شده است. به این ترتیب که با مرور ادبیات تحقیق و بررسی قانون اساسی کشور، قوانین حقوق شهروندی موجود در قانون اساسی استخراج و سپس بر اساس آن یک پرسشنامه ۲۲ سؤالی برای بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی موجود در قانون اساسی تدوین شده است. از آن‌جا که انتخاب قوانین اساسی مرتبط با حقوق شهروندی بر اساس مرور ادبیات تحقیق صورت گرفته و سؤالات پرسشنامه بر اساس قوانین مرتبط با حقوق شهروندی تدوین شده است، بنابراین پرسشنامه دارای روایی محتوایی است. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۳ محاسبه شده است. در این تحقیق از دو روش آمار توصیفی شامل میانگین،

درصدهای فراوانی و آمار استنباطی شامل آزمون T تک نمونه‌ای و آزمون تی برای گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی حیطه‌های سه‌گانه آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی در جدول شماره ۲ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین میانگین را آگاهی از حقوق مدنی و کمترین میانگین را آگاهی از حقوق سیاسی دارا می‌باشند.

جدول شماره ۲: توصیف وضعیت آگاهی از حقوق سه‌گانه شهروندی و رفتار اجتماعی

انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	انواع حقوق
۰/۶۶۱۷۳	۲/۲۴۲۶	۵	۱	۳۲۷	حقوق سیاسی
۰/۳۸۴۵۸	۲/۳۰۴۲	۴/۶۲	۱	۳۲۷	حقوق اجتماعی
۰/۵۲۱۰۹	۲/۵۷۳۹	۴/۵۰	۱	۳۲۷	حقوق مدنی

به منظور بررسی وضعیت آگاهی دانشجویان از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی و پاسخ به سؤال اول تا سوم تحقیق از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده که شرح آن در جدول شماره ۳ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر سه بعد حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی دارای تفاوت معناداری با میانگین نظری ۳ (در طیف لیکرت) هستند. از آنجایی که در تمامی موارد، میانگین نمرات به دست آمده از ابعاد سه‌گانه کمتر از عدد ۳ بوده، نتیجه گرفته می‌شود که آگاهی دانشجویان در تمامی ابعاد سه‌گانه حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی پایین‌تر از میانگین است.

جدول شماره ۳: تفاوت میانگین آگاهی از ابعاد حقوق شهروندی با میانگین نظری ۳ با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای

تفاوت در سطح اطمینان ۹۵٪	تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	بعد
					بالا
-۰/۸۲۹۴	-۰/۶۸۵۴	-۰/۷۵۷۴	*۰/۰۰۰*	۳۲۶	حقوق سیاسی
-۰/۷۳۷۷	-۰/۶۵۴۰	-۰/۶۹۵۸	*۰/۰۰۰*	۳۲۶	حقوق اجتماعی
-۰/۴۸۲۸	-۰/۳۶۹۴	-۰/۴۲۶۱	*۰/۰۰۰*	۳۲۶	حقوق مدنی

* سطح معناداری ۰/۰۵.

به منظور بررسی تفاوت ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی در بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر و پاسخ به سؤال چهارم تحقیق از آزمون تی استفاده شده که شرح آن در جدول شماره ۴ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آگاهی از حقوق مدنی در بین دو گروه دانشجویان دختر و پسر دارای تفاوت معناداری است. از آنجایی که میانگین نمره به دست آمده از دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر بوده، نتیجه گرفته می‌شود که آگاهی از حقوق مدنی در دانشجویان دختر بیش از پسران بوده است. مقایسه آگاهی حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی تفاوت معناداری را نشان نداد.

جدول شماره ۴: بررسی تفاوت میانگین آگاهی از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی برحسب جنسیت

با استفاده از آزمون آ گروه‌های مستقل

سطح معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	بعد
* ۰/۰۳۶	۲/۱۱۱	۰/۴۸۵۴۴	۲/۶۵۷۷	۱۱۲	زن	حقوق مدنی
		۰/۵۳۴۶۲	۲/۵۳۰۲	۲۱۵	مرد	
۰/۶۱۹	۰/۴۹۷	۰/۶۸۷۱۳	۲/۲۶۷۹	۱۱۲	زن	حقوق سیاسی
		۰/۶۴۹۳۶	۲/۲۲۹۵	۲۱۵	مرد	
۰/۱۴۱	۱/۴۷۴	۰/۳۹۴۹۴	۲/۳۴۷۵	۱۱۲	زن	حقوق اجتماعی
		۰/۳۷۸۰۲	۲/۲۸۱۶	۲۱۵	مرد	

* سطح معناداری ۰/۰۵ .

به منظور بررسی تفاوت آگاهی از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی در بین دو گروه دانشجویان کاردانی و کارشناسی و پاسخ به سؤال پنجم تحقیق از آزمون تی استفاده شده که شرح آن در جدول شماره ۵ آمده است. همانطور که ملاحظه می‌شود آگاهی از ابعاد حقوق شهروندی در بین دو گروه دانشجویان کاردانی و کارشناسی دارای تفاوت معناداری نیست.

جدول شماره ۵: تفاوت میانگین آگاهی از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی بر حسب مقطع تحصیلی با استفاده از

آزمون تی گروه‌های مستقل

سطح معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مقطع	بعد
۰/۹۷۴	* ۰/۳۳	۰/۴۹۲۱۱	۲/۵۶۴۰	۱۶۰	کاردانی	حقوق مدنی
		۰/۵۱۹۰۳	۲/۵۶۵۹	۱۶۷	کارشناسی	
۰/۴۵۲	۰/۷۵۴	۰/۶۱۳۵۳	۲/۲۰۰۹	۱۶۰	کاردانی	حقوق سیاسی
		۰/۶۷۲۶۱	۲/۲۵۵۵	۱۶۷	کارشناسی	
۰/۴۳۱	۰/۷۸۹	۰/۳۵۳۸۳	۲/۲۶۸۵	۱۶۰	کاردانی	حقوق اجتماعی
		۰/۳۵۴۶۹	۲/۲۹۹۹	۱۶۷	کارشناسی	

* سطح معناداری ۰/۰۵ .

به منظور بررسی تفاوت آگاهی از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی در بین گروه‌های مختلف سنی دانشجویان و پاسخ به سؤال ششم تحقیق از تحلیل واریانس استفاده شده که شرح آن در جداول شماره ۶ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آگاهی از ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی تفاوت معناداری بین سه گروه سنی دانشجویان وجود ندارد.

جدول شماره ۶: بررسی تفاوت آگاهی از میانگین ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی

بر حسب سن با استفاده از تحلیل واریانس

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	حیطه
۰/۹۱۵	۰/۱۷۲	۰/۰۴۷	۳	۰/۱۴۱	حقوق مدنی
		۰/۲۷۴	۳۲۳	۸۸/۳۷۹	
			۳۲۶	۸۸/۵۲۰	
۰/۹۸۰	۰/۰۶۲	۰/۰۲۷	۳	۰/۰۸۲	حقوق سیاسی
		۰/۴۴۲	۳۲۳	۱۴۲/۶۷۱	
			۳۲۶	۱۴۲/۷۵۳	

۰/۴۶۵	۰/۸۵۴	۰/۱۲۷	۳	۰/۳۸۰	بین گروهی	حقوق اجتماعی
		۰/۱۴۸	۳۲۳	۴۷/۸۳۵	درون گروهی	
			۳۲۶	۴۸/۲۱۵	کل	

* سطح معناداری ۰/۰۵ .

بحث و نتیجه گیری

نتیجه حاصل از بررسی وضعیت آگاهی دانشجویان از ابعاد سه گانه حقوق شهروندی نشان داد که آگاهی دانشجویان در تمامی ابعاد سه گانه حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی پایین تر از میانگین قرار دارد. نتیجه به دست آمده از این تحقیق با یافته های اسکندری (۱۳۸۶) همسان است. نتایج تحقیق وی نیز نشان داد که میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان در حد متوسط و کمی بیش از آن بود. این یافته بیانگر این مطلب است که آگاهی دانشجویان در سطح بالایی نبوده است. اما برخلاف نتیجه به دست آمده از تحقیق حاضر، اسکافی (۱۳۸۶) نشان داد که بیش از ۷۰٪ نمونه مورد مطالعه وی از تکالیف و حقوق شهروندی آگاهی زیادی داشتند. به نظر می رسد بایستی علت تفاوت در نتیجه این دو تحقیق را در جوامع متفاوت و ابزار اندازه گیری مورد استفاده در دو تحقیق جستجو کرد.

همچنین در بررسی مقایسه ای میزان آگاهی از ابعاد سه گانه حقوق شهروندی در میان دانشجویان دختر و پسر، فقط آگاهی از حقوق مدنی در دختران بیش از پسران بود و تفاوتی در دو بعد دیگر وجود نداشت. بررسی مقایسه ای آگاهی دانشجویان بر اساس مقطع تحصیلی و سن، تفاوت معناداری را در هیچ یک از ابعاد سه گانه حقوق شهروندی نشان نداد. نتیجه به دست آمده از این تحقیق با یافته های پژوهش عبدی (۱۳۸۶) همسان بود. یافته های تحقیق وی حاکی از وجود رابطه بین جنسیت و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی بود، همچنین بین سن و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه ای به دست نیامد. اما اسکافی (۱۳۸۶) در تحقیق خود نتیجه ای مغایر با نتیجه این تحقیق به دست آورد. وی به این یافته دست یافت که آگاهی از تکالیف و حقوق شهروندی مردان بیش از زنان است. همچنین سن پاسخگویان یکی از متغیرهایی بود که توانایی تبیین مقداری از تغییرات آگاهی از تکالیف و حقوق شهروندی را داشت.

هنگامی که مجموعه ای از قوانین و عرف های اجتماعی رعایت شود، احترام به حقوق متقابل افراد شکل می گیرد و حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی رعایت می شود و مسئولیت های آنها جهت برخورداری از یک زندگی مناسب تر مشخص می گردد. بعضی از اساسی ترین و آشکارترین حقوق شهروندی در جامعه ایران شامل این موارد است: اتکا به آراء عمومی در اداره امور کشور، حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خود، حقوق مساوی اقوام و قبایل، رعایت حقوق زنان، حق امنیت، برخورداری از تأمین اجتماعی به عنوان حقی همگانی، آموزش و پرورش رایگان، احترام کامل به کلیه مذاهب اسلامی، اخلاق حسنه و عدل اسلامی مسلمانان ایرانی در ارتباط با افراد غیرمسلمان و رعایت حقوق انسانی آنان، آزادی استفاده از زبان های محلی و قومی در کنار زبان فارسی، احترام به حق مالکیت شخصی.

با توجه به مطالب فوق مشخص می شود که باید با آموزش و ایجاد زمینه های فرهنگی مناسب و دقت لازم در اجرای قوانین، بنیاد قوانین شهروندی را هر چه بیشتر تقویت و آن را نهادینه کرد. آنچه مسلم است صرف جمع شدن افراد در مکانی خاص و تشکیل اجتماع انسانی، رفتار اجتماعی مناسب بروز نخواهد کرد. افراد زمانی به حقوق یکدیگر احترام خواهند گذاشت که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند. یکی از وظایف نظام آموزش عالی کشور توجه به آموزش شهروندی متناسب با نیازها و ارزش های اجتماعی جامعه می باشد. در حالی که در نظام آموزش عالی کشور توجه چندانی به تربیت شهروندی نمی شود و برنامه درسی ویژه ای تحت عنوان آموزش شهروندی وجود

ندارد. هم‌چنان که نتایج تحقیق فتحی واجارگاه و دیبا واجاری (۱۳۸۱) نیز نشان داد که علی‌رغم اهمیتی که توجه به تربیت شهروندی برای جامعه ایران دارد، توجه کمی به پرورش ارزش‌های شهروندی می‌شود و اصلاحات اساسی در این راستا الزامی است. شاید تصور می‌شود که دانشجویان آگاهی لازم را در خصوص حقوق شهروندی در دوران مدرسه و از طریق رسانه‌ها و یا از طریق خانواده به دست آورده‌اند، حال آن‌که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که آگاهی دانشجویان از حقوق خود و دیگران در سطح بالایی قرار ندارد.

منابع

۱. آقازاده، احمد (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این‌گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، صفحات ۶۶-۴۵.
۲. اسکافی، مریم (۱۳۸۶)، بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، شماره ۹، صفحات ۳۳-۱.
۳. اسکندری، زهرا (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد.
۴. پور عزت، علی اصغر؛ باغستانی برزکی، حوریه و نجاتی آجی بیه، مصطفی (۱۳۸۶)، الگوی منطقی منشور شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صفحات ۱۶۰-۱۳۱.
۵. توسلی، غلام عباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳)، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صفحات ۶۲-۳۲.
۶. شکری، نادر (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶، صفحه ۸۰.
۷. صرافی، مظفر و عبدالهی، مجید (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صفحات ۱۳۴-۱۱۵.
۸. عبدی، ولی (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
۹. فتحی واجارگاه، کوروش؛ واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۵)، شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت آن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، صفحات ۱۳۲-۹۳.
۱۰. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۱)، برنامه‌های درسی تربیت شهروندی: اولییتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، (۲)۱۴، صفحات ۲۰۶-۱۸۱.
۱۱. فتحی واجارگاه، کوروش؛ دیبا واجاری، طلعت (۱۳۸۱)، بررسی «ویژگی‌های شهروند خوب» برای جامعه ایران و میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس با این ویژگی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵: ویژه‌نامه جامعه‌شناسی، صفحات ۶۲-۳۳.
۱۲. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۷۷)، اصول برنامه ریزی درسی، انتشارات ایران زمین.

۱۳. قورچیان، نادرقلی؛ رضایی کلانتری، مرضیه؛ ملکی، حمید؛ شهیدی، نیما (۱۳۸۷)، برنامه درسی در نظام آموزشی با تأکید بر روش‌های میان رشته‌ای، انتشارات فراشناختی اندیشه، چاپ اول.
۱۴. کارگزاری، جواد (۱۳۸۳)، حقوق شهروندی، مجله حقوق اساسی، شماره ۲، صفحات ۱۵۰-۱۲۹.
۱۵. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، صفحات ۴۴-۱۱.
۱۶. وزیر، مزده و جهانی، شیدا (۱۳۸۵)، مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستان‌های شهرستان زلزله زده بم، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، صفحات ۱۸۲-۱۶۳.

۱۷. Callahan, R. M.; Muller, C.; Schiller, S. S. (۲۰۰۸) Preparing for Citizenship: Immigrant High School Students' Curriculum and Socialization. Theory and Research in Social Education, v۳۶ n۲ p۶-۳۱.
۱۸. Chesterman, J. and Galligan B. (۱۹۹۷). Citizens Without Rights: Aborigines and Australian Citizenship. New York : Cambridge University Press.
۱۹. Gifford, Chris; Watt, Paul; Clark, Wayne; Koster, Shirley (۲۰۰۵). Negotiating Participation and Power in a School Setting: The Implementation of Active Citizenship within the Undergraduate Sociology Curriculum. LATISS: Learning and Teaching in the Social Sciences, v۲ n۳ p۱۷۵-۱۹۰.
۲۰. Hanson, L. (۲۰۱۰). Global Citizenship, Global Health, and the Internationalization of Curriculum: A Study of Transformative Potential. Journal of Studies in International Education, v۱۴ n۱ p۷۰-۸۸.
۲۱. Keating, A. (۲۰۰۹). Nationalizing the Post-National: Reframing European Citizenship for the Civics Curriculum in Ireland. Journal of Curriculum Studies, v۴۱ n۲ p۱۵۹-۱۷۸.
۲۲. Myers, J. P. (۲۰۰۶) Rethinking the Social Studies Curriculum in the Context of Globalization: Education for Global Citizenship in the U.S. Theory and Research in Social Education, v۳۴ n۳ p۳۷۰-۳۹۴.
۲۳. Nikitina, Svetlana (۲۰۰۹). Applied Humanities: Bridging the Gap between Building Theory and Fostering Citizenship. Liberal Education, v۹۵ n۱ p۳۶-۴۳.
۲۴. Zhonghua, G. (۲۰۰۸), Theorizing the Contemporary Citizenship: A Question for New Paradigms, Journal of Public Administration, vol ۱, no ۶, pp ۵۲-۷۳.